



## فهرست

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۷   | مقدمهٔ استاد سروش دباغ  |
| ۱۱  | مقدمهٔ ویراستار         |
| ۱۵  | جلسهٔ اول               |
| ۱۵  | به نام خداوند جان و خرد |
| ۳۴  | پرسش و پاسخ             |
| ۳۷  | جلسهٔ دوم               |
| ۵۲  | پرسش و پاسخ             |
| ۵۵  | جلسهٔ سوم               |
| ۶۸  | پرسش و پاسخ             |
| ۷۳  | جلسهٔ چهارم             |
| ۸۷  | جلسهٔ پنجم              |
| ۹۹  | پرسش و پاسخ             |
| ۱۰۳ | جلسهٔ ششم               |
| ۱۱۳ | جلسهٔ هفتم              |
| ۱۲۹ | پرسش و پاسخ             |
| ۱۳۱ | جلسهٔ هشتم              |
| ۱۴۶ | پرسش و پاسخ             |
| ۱۴۹ | جلسهٔ نهم               |
| ۱۶۰ | پرسش و پاسخ             |

|     |              |
|-----|--------------|
| ۱۶۳ | جلسه دهم     |
| ۱۷۲ | پرسش و پاسخ  |
| ۱۷۵ | جلسه یازدهم  |
| ۱۸۲ | پرسش و پاسخ  |
| ۱۸۵ | جلسه دوازدهم |
| ۱۹۵ | پرسش و پاسخ  |
| ۱۹۹ | جلسه سیزدهم  |
| ۲۱۰ | پرسش و پاسخ  |
| ۲۱۵ | جلسه چهاردهم |
| ۲۲۲ | پرسش و پاسخ  |
| ۲۲۵ | جلسه پانزدهم |
| ۲۳۵ | پرسش و پاسخ  |
| ۲۳۷ | کتابنامه     |



## مقدمه استاد سروش دباغ

«در آن کنج کاروان‌سرای می‌باشیدم. آن فلان گفت: به خانقاه نیایی؟ گفتم: من خود را مستحق خانقاه نمی‌دانم... گفت: مدرسه نیایی؟ گفتم: من آن نیستم که بحث توانم کردن. اگر تحت‌اللفظ فهم کنم، آن را نشاید که بحث کنم؛ و اگر به زبان خود بحث کنم، بخندند و تکفیر کنند... من غریب و غریب را کاروان‌سرا لایق است» (موحد، ۱۳۸۸: ۶۱).

«از بخت شکر دارم و از روزگار هم؛» بیش از پانزده سال است که در حوزه عرفان‌پژوهی مشغول تحقیق و تتبع و درس و مشقم. در این راستا، هم درس‌گفتارهایی دربارهٔ زیست‌جهان و سلوک معنوی سالکانی سنتی چون ابوالحسن خرقانی، شیخ‌شهاب سهروردی، عطار نیشابوری، جلال‌الدین رومی، شمس تبریزی و حافظ شیرازی به‌روایت نوشته بر دریا، قصه‌های شیخ اشراق، منطق‌الطیر، مثنوی، فیه ما فیه، مقالات شمس و دیوان حافظ برگزار کرده،<sup>۱</sup> هم مقومات «عرفان مدرن» و حدودت‌نوعور سلوک معنوی در روزگار کنونی را کاویده و روایت کرده‌ام. محصول این کندوکاوها و زیروزبرشدن‌ها و روندآیندها، که با سپهری‌پژوهی‌های درازدامن هم‌عنان و مقارن‌گشته و متضمن بررسی تطبیقی آثار سالکان سنتی و سالکان مدرن

---

۱. صوت اکثر این درس‌گفتارها، از طریق وبگاه من و پیوند زیر در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است:

هم هست، در آثار شنش‌گانه در سپهر سپهری، فلسفه لاجوردی سپهری، حریم علف‌های قربت، آبی دریای بیکران، نبض خیس صبح و از سپهروردی تا سپهری سربرآورده و آفتابی شده است.

«شمه‌ای از شوریدگی شمس» پس از این درمی‌رسد و پیش‌روی مخاطبان قرار می‌گیرد. بازخوانی انتقادی میراث عرفانی ستبر پس‌پشت و بهره‌بردن از بارقه‌ها و اخگرهای به ودیعت نهاده‌شده در آن، از مقومات عرفان‌پژوهی نگارنده است. درواقع، هرچند وام‌کردن و برساختن مفاهیمی از جمله «سالک سنتی/سالک مدرن»، «متافیزیک نحیف»، «ایمان آرزومندانه»، «سلوک افقی/سلوک عمودی»، «تنهایی مخملین»، «طنز الهیاتی» و «کورمرگی» برای پی‌افکندن منظومه عرفان مدرن و چندوچون سلوک معنوی ضروری می‌نماید، برای انجام این مهم، از رجوع به میراث حکمی عرفانی گریز و گزیری نیست. به همین سبب، تقریر و بازخوانی انتقادی برخی متون عرفانی کلاسیک، طی سالیان اخیر، در دستور کارم قرار گرفته است.<sup>۲</sup> «عهد ما با لب شیرین‌دهنان بست خدا»؛ سال‌هاست در هوای سنت عرفان خراسانی دم می‌زنم و در سایه‌سار درختان تنومند این بوستان، به کنجی خزیده و حظ وافر زیبایی‌شناختی، معنوی و آگزیستانسیل می‌برم و «طعم وقت» را مزه‌مزه می‌کنم.

دوسال‌ونیم پیش، بر آن شدم تا در ادامه سفرهای آگزیستانسیل و معنوی خود، به سروقت «مقالات» شمس تبریزی، که در زمره کتاب‌های بالینی‌ام است بروم و به شرح آن بپردازم. برای انجام این مهم، دو متن محوری را انتخاب و اختیار کردم: مقالات شمس تبریزی، به تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد و «خیی از شراب ربانی: گزیده مقالات شمس»، با انتخاب و توضیح محمدعلی موحد.

افزون بر دو متن محوری یادشده که مکرراً به سراغشان می‌رفتم و در مضامین آن‌ها تأمل می‌کردم و فقراتی را برای شرح و تبیین برمی‌گزیدم، در این سفر روح‌نواز و دل‌انگیز که بیش از نُه ماه به درازا انجامید و در قالب درس‌گفتاری

۲. اگر موافق تدبیر من شود تقدیر، بنا دارم با عنایت به اتمام درس‌گفتار شصت‌جلسه‌ای «قصه‌های شیخ اشراق»، به‌زودی درس‌گفتاری با محوریت «چشیدن طعم وقت» و میراث حکمی عرفانی ابوسعید ابوالخیر، عارف و سالک سنتی سده چهارم و پنجم برگزار کنم.

سی‌جلسه‌ای در «بنیاد سهرودی» تورنتو القا شد؛ برای ایضاح بیشتر مطالب، به منابع متعدد عرفانی و فلسفی و روان‌شناختی مراجعه کردم و آن‌ها را در کار آوردم. اکنون که به پشت سر می‌نگرم، سخت خرسندم که اوقاتی با شمس تبریزی، که «نفسی گرم و کلامی نافذ» و «خوش‌جهانی» داشت، «بلندهمت و منبع‌الطبع و تودار و درون‌گرا» بود و «پرهیجان و ناآرام و تند و صریح‌اللهجه»؛ مردی که با «خرقه‌دادن و تعلیم ذکر و به چله نشانیدن مریدان» بر سر مهر نبود، کاریزمایی غریب داشت و «سلطهٔ سحرآمیز او» گریبان مولوی را در سی سال آخر عمر رها نکرد، در خلوت و جلوت مأنوس بودم و از پشت پنجرهٔ او به جهان پیرامون نگریدم. کتاب پیش‌رو، جلد اول اثر دوجلدی «شمه‌ای از شوریدگی شمس» است. بناست جلد دوم تا چند ماه دیگر نهایی شود و پیش چشم علاقه‌مندان قرار گیرد. اگر نبود زحمات مجدانه و صادقانهٔ مسلم عباس‌پور عزیز، این مجموعه بسامان نمی‌شد. زحمت پیاده‌سازی، گردآوری، تدوین، ویرایش و افزودن ارجاعات متعدد با ایشان بوده است. از این بابت از ایشان صمیمانه سپاسگزارم. همچنین ارج می‌نهم زحمات سپهر زارع، مدیر فرهنگ‌دوست نشر سهروردی را برای انتشار این اثر. نیز ممنونم از ابوالفضل منوچهری، طراح جلد، و سیدحمید حیدری‌ثانی صفحه‌آرا. بدون زحمات این عزیزان، کار به سرانجام نمی‌رسید.

امیدوارم خوانندهٔ محترم، در لابه‌لای این سطور، حدیث بی‌قراری نگارنده و تلاطم‌های آونگ‌آسایش را بخواند و از پی شمس تبریزی، سالک سنتی سدهٔ هفتم، غریب‌بودن و غربت‌نشینی را دریابد، سبکبار و سبکبال «به وسعت تشکیل برگ‌ها» برود، «ریه را از ابدیت پر و خالی» کند، «بار دانش را از دوش پرستو به زمین» بگذارد، «به خلوت ابعاد زندگی» پای نهاد، «ارتباط گم‌شدهٔ پاک» و تنهایی مخملین را بچشد و هم‌نورد افق‌های دور گردد.

سروش دباغ

تورنتو، خرداد ۱۴۰۱